

## آموزه های هدایتی دعای ۵۱ صحیفه سجادیه

رقیه شمسی<sup>۱</sup>

### چکیده:

دعای پنجاه و یکم صحیفه سجادیه، دعایی عمیق و جامع است که امام سجاد (علیه السلام) در آن، ضمن اعتراف فروتنانه به گناهان و قصورهای انسانی، به درگاه خداوند تضرع می نماید. هسته اصلی آموزه های هدایتی این دعا، بر محور طلب مغفرت و پاکی از خطاها، با تکیه کامل بر رحمت بی کران و فضل بی منتهای الهی می چرخد. امام (ع) در این مناجات، علاوه بر طلب بخشایش برای گذشته، از خداوند توفیق پایداری در مسیر بندگی، دوری از گناهان در آینده، و حفظ اعضا و جوارح از لغزش ها را مسألت می کند. این دعا، با تأکید بر نیاز مطلق انسان به یاری پروردگار و لزوم مراقبه دائمی و دوری از غفلت، نقشه راهی برای کسب بصیرت معنوی و استقامت در طریق بندگی ارائه می دهد و روح امید و توکل را در دل مؤمن زنده نگاه می دارد پژوهش در آموزه های دعای ۵۱ صحیفه سجادیه نشان می دهد که این دعا صرفاً مجموعه ای از جملات تضرع آمیز نیست، بلکه حاوی یک الگوی تربیتی و اخلاقی منسجم است. اصلی ترین یافته ها عبارتند از: تأکید بر انسان شناسی واقع بینانه (با اعتراف به ضعف ها و گناهان فطری بشر)، رویکرد امیدبخش به رحمت الهی (که ناامیدی را در اوج گناه رد می کند)، و اهمیت عمل و اراده در کنار تضرع (که صرفاً دعا کردن را کافی ندانسته و خواستار توفیق در عمل صالح است). همچنین، این دعا بر ابعاد سه گانه زمانی (گذشته با طلب مغفرت، حال با مراقبه و آینده با طلب توفیق) در هدایت انسان تمرکز دارد. در نهایت، این پژوهش نشان می دهد که دعای ۵۱، یک برنامه جامع برای خودسازی مداوم و ارتباط پایدار با خالق ارائه می دهد که می تواند مبنایی برای رشد معنوی در هر عصری باشد. روش این مهم تحلیلی توصیفی است و مطالب به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده اند و هدف این مهم بررسی آموزه های هدایتی دعای ۵۱ از صحیفه سجادیه می باشد

**کلید واژه:** امید، آموزه های هدایتی، دعای ۵۱، صحیفه سجادیه

<sup>۱</sup> مرکز آموزش های غیر حضوری، طلبه سطح دو

## مقدمه :

در دنیای پرشتاب و پرتلاطم امروز، انسان‌ها به طور مداوم با چالش‌ها و وسوسه‌های گوناگونی روبرو هستند که گاه آنان را از مسیر درست منحرف می‌سازد. غفلت از یاد خدا، پیروی از هواهای نفسانی و ارتکاب گناهان، از جمله آسیب‌هایی است که روح و روان انسان را آزرده و او را از کمال و سعادت دور می‌کند. در این میان، نیاز به راهنمایی و رهنمودهایی که بتواند انسان را به سوی توبه، اصلاح نفس و بازگشت به سوی خداوند متعال هدایت کند، بیش از پیش احساس می‌شود. دعای پنجاه و یکم صحیفه سجادیه، اثری ژرف و ارزشمند از امام سجاد (علیه‌السلام)، دریچه‌ای به سوی توبه و انابه به درگاه خداوند متعال می‌گشاید. این دعا، نه صرفاً مجموعه‌ای از کلمات و عبارات، بلکه تجلی‌گاه روح بندگی و تسلیم در برابر خالق هستی است. امام سجاد (ع) در این نیایش، با زبانی شیوا و دلنشین، به ترسیم چهره‌ای واقعی از انسان گناهکار می‌پردازد و در عین حال، بارقه‌های امید به رحمت و مغفرت الهی را در دل‌ها زنده می‌کند.

آموزه‌های هدایتی این دعا، گنجینه‌ای ارزشمند برای هر انسانی است که در پی اصلاح نفس، پاکسازی روح و نزدیکی به پروردگار خویش است. این آموزه‌ها، راهنمایی جامع برای بازگشت از مسیر خطا، اعتراف به گناهان، پشیمانی قلبی، تغییر رفتار و طلب بخشش از درگاه الهی ارائه می‌دهند.

در این دعا، انسان با تمام وجود احساس می‌کند که خداوند، با وجود عظمت و جلالش، همواره پذیرای توبه بندگان خویش است و با آغوشی باز، منتظر بازگشت آنهاست. دعای ۵۱ صحیفه سجادیه، دعای رهایی از بند گناه، دعای امید به رحمت الهی و دعای قدم نهادن در مسیر سعادت و کمال است. در ادامه، به بررسی تفصیلی این آموزه‌های هدایتی خواهیم پرداخت.

صحیفه سجادیه، گنجینه‌ای ارزشمند از نیایش‌ها و مناجات‌های امام سجاد (علیه‌السلام) است که دربردارنده آموزه‌های عمیق اخلاقی، معنوی و تربیتی است. دعای ۵۱ این صحیفه، به طور خاص، به مسئله توبه و انابه به

درگاه الهی می‌پردازد و با زبانی رسا و دلنشین، راهکارهای عملی برای بازگشت از گناه و دستیابی به قرب الهی را ارائه می‌دهد. اهمیت این دعا از آن روست که در عصری که غفلت و گناه فراگیر شده است، می‌تواند به عنوان چراغ راهی برای هدایت و رستگاری انسان‌ها عمل کند. بررسی و تبیین آموزه‌های این دعا، به ویژه برای نسل جوان، از ضروریات است تا بتوانند با بهره‌گیری از آن، زندگی خود را در مسیر صحیح قرار دهند و از آثار مخرب گناهان در امان بمانند در این مهم به دنبال پاسخ‌گویی به سوالات کلیدی همچون آموزه‌های هدایتی کلیدی دعای ۵۱ صحیفه سجادیه کدامند؟

مهم‌ترین مضامین و مفاهیم مطرح شده در دعای ۵۱ صحیفه سجادیه هستیم تاکنون مقالات و کتاب‌های زیادی مرتبط با این مهم به رشته تحریر در آمده اند از جمله آنها می‌توان به بررسی آموزه‌های معرفتی، تربیتی و اخلاقی دعای ۵۱ صحیفه سجادیه و استخراج مستندات قرآنی آن از عصمت حیدری

## مفهوم شناسی

استکانه (زاری/طلب یاری با درماندگی):

در لغت به معنای اظهار ضعف و نیاز شدید، زاری کردن، و طلب یاری و دستگیری با نهایت درماندگی است. استکانه حالتی است که بنده در می‌یابد که به تنهایی هیچ قدرتی ندارد و تمام هستی و توان خود را وابسته به اراده و لطف پروردگار می‌بیند. این حالت، بنده را به سمت التجاء و پناه بردن کامل به خداوند سوق می‌دهد.

استکانه ( استکانة. [ اِ تَ نَ ] ( ع مص ) استکانت. زاری. زاری کردن. تضرع. زاریدن. || فروتنی کردن<sup>۱</sup> خوار گردیدن. فروتنی. حقارت. عجز. ( غیاث ). مؤلف غیاث گوید: بعضی گفته اند که مشتق از کین است که بمعنی لحم شرم زن است ، معنی حقیقی استکانت مثل کین گردیدن باشد در حقارت. ( از جابرردی شرح شافیه و کنز ): و استکان و استرجع بعد ان ارتاع و تفجع<sup>۲</sup>. ترجمه آن : فروتنی نمودو استرجاع کرد بعد از آنکه غصه و نوحه بر او مستولی شده بود.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> بیهقی، تاج المصادر، ص ۳۶۵

<sup>۲</sup> بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۵۴

<sup>۳</sup> همان، ص ۱۲۵

رجاء: رجاء" در لغت به معنای گمان به وقوع چیزی است که موجب خوشحالی باشد که در فارسی از آن به امید، تعبیر می‌گردد.<sup>۱</sup>

تذلل (خوار شدن/خود را کوچک شمردن):

در لغت به معنای خوار شمردن خود، فروتنی، و افتادگی است. در بستر بندگی، تذلل به این معناست که بنده در برابر عظمت و جبروت الهی، خود را هیچ و ناچیز ببیند. این دیدگاه، ناشی از شناخت عمیق جایگاه ربوبیت خداوند و عبودیت بنده است. بنده متذلل، هرگز خود را در برابر اراده و مشیت الهی برتر یا هم‌تراز نمی‌بیند.<sup>۲</sup>

## دعای ۵۱ صحیفه سجادیه

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ

دعای آن حضرت است در زاری و فروتنی

إِلَهِي أَحْمَدُكَ وَ أَنتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ ، وَ سُبُوغِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ ، وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ عِنْدِي ، وَ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ ، فَقَدْ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَعْجِزُ عَنْهُ شُكْرِي .

خدایا! تو را سپاس می‌گزارم و تو شایسته سپاسی. سپاس در برابر احسان نیکویت به من و فراوانی نعمت‌هایت بر من و عطای بزرگت نزد من. سپاس بر رحمتت که به سبب آن مرا برتری بخشیدی و بر نعمتت که بر من سرشار و فراوان فرمودی؛ به اندازه‌ای به من خوبی کردی که سپاس و شکر از آن وامانده و ناتوان است.<sup>۳</sup>

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَارَ حَظِّي ، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِي ، وَ لَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ ، وَ رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكَفَايَةَ ، وَ صَرَفْتَ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ ، وَ مَنَعْتَ مِنِّي مُحْذُورَ الْقَضَاءِ .

و اگر احسانت نسبت به من نبود و نعمت‌های سرشارت در سرزمین زندگی من نمی‌ریخت، نمی‌توانستم نصیب خود را از آن به دست آورم و وجودم را اصلاح کنم. این تو بودی که بی‌مقدمه، احسانت را نسبت به من آغاز

<sup>۱</sup> راغب، مفردات فی غریب القرآن، ۵۴۸،

<sup>۲</sup> عمید، فرهنگ عمید، ص ۵۲۵

<sup>۳</sup> صحیفه سجادیه دعای ۵۱ فراز ۱

کردی و کفایت و بی‌نیازی در تمام کارهایم را روزی من کردی و رنج و زحمت بلا را از من گرداندی و قضای دهشت‌زا را از من منع کردی.<sup>۱</sup>

إِلَهِي فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي ، وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَقَرَّرْتَ بِهَا عَيْنِي ، وَ كَمْ مِنْ صَنِيعَةٍ كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِي

خدای من! چه بسیار بلای جانکاه که از من گرداندی و چه بسیار نعمت فراوانی که دیده‌ام را به آن روشن ساختی و چه بسیار خوبی‌های ارجمندی که از ناحیه تو نزد من است!<sup>۲</sup>

أَنْتَ الَّذِي أُجِبْتَ عِنْدَ الْاضْطِرَارِّ دَعْوَتِي ، وَ أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِي ، وَ أَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بَظْلَامَتِي .

تویی که به وقت ناچاری و درماندگی، دعایم را اجابت کردی؛ و به وقت افتادن در مهلکه گناه، از لغزشم گذشتی؛ و حقوق مرا که دشمنان به زور و ستم از من ربوده بودند، بازستانی.<sup>۳</sup>

إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ بَخِيلًا حِينَ سَأَلْتُكَ ، وَ لَا مُنْقَبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعًا ، وَ لِمَطَالِبِي مُعْطِيًا ، وَ وَجَدْتُ نِعْمَاكَ عَلَى سَابِغَةٍ فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي ، فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ ، وَ صَنِيعُكَ لَدَيَّ مَبْرُورٌ . خدای من! هنگامی که در پیشگاهت به گدایی برخاستم، تو را بخیل نیافتم؛ و زمانی که آهنگ تو کردم، منقبض و گرفته‌ات ندیدم؛ بلکه تو را شنونده دعایم و عطاکننده خواسته‌هایم یافتم؛ و نعمت‌هایت را در هر حالی از حالاتم و هر زمانی از زمان‌هایم، بر خود سرشار و کامل مشاهده کردم. تو نزد من ستوده‌ای؛ و خوبی‌ات نزد من، مورد سپاس و شکر است.<sup>۴</sup>

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي ، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي ، فَجَنِّبْنِي مِنْ سُخْطِكَ .

جان و زبان و عقل من تو را می‌ستایند؛ ستایشی که بر عرصه کمال و حقیقت شکر برسد؛ ستایشی که در قلّه نهایت خشنودی تو از من باشد؛ پس مرا از خشم نجات ده.<sup>۵</sup>

۱ همان فراز ۲

۲ همان فراز ۳

۳ همان فراز ۴

۴ همان فراز ۵

۵ همان فراز ۶

يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ وَيَا مُقِيلِي عَثَرَتِي ، فَلَوْ لَا سَتَرْتُ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ ، وَيَا مُؤَيِّدِي  
بِالنَّصْرِ ، فَلَوْ لَا نَصَرْتُ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلِّ عَلَى أَعْنَاقِهِ ، فَهُمْ مِنْ  
سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ ، وَيَا أَهْلَ التَّقْوَى ، وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفُو عَنِّي ، وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرِيئاً  
فَاعْتَذِرْ ، وَلَا بِذِي قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ ، وَلَا مَفَرٍّ لِي فَأَفِرَّ .

ای پناه من در زمانی که راه‌های گوناگون و بی‌ربط مرا خسته می‌کند و به زحمت می‌اندازد. ای گذشت کننده از  
لغزش‌هایم؛ اگر عیب‌پوشی تو نبود، از رسواشدگان بودم؛ ای توانایی دهنده من به نصرت و یاری، اگر یاری تو  
نبود از شکست‌خورده‌گان بودم.<sup>۱</sup>

ای که پادشاهان یوغ ذلت و خواری را در پیشگاهش به گردن نهاده‌اند و از عذاب‌ها و عقاب‌هایش ترسانند! ای  
شایسته تقوا! ای که نام‌های نیکو برای اوست! از تو می‌خواهم که از من بگذری و مرا بیامیزی؛ بی‌گناه نیستم تا  
معذور باشم؛ نیرومند نیستم تا پیروزی به دست آورم؛ گریزگاهی ندارم تا بگریز

وَأَسْتَقِيلُكَ عَثَرَاتِي ، وَآتَنَصِّلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي ، وَأَحَاطْتُ بِهَا فَأَهْلَكْتَنِي ، مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ  
تَائِباً قَتَبَ عَلَيَّ ، مُتَعَوِّذاً فَأَعِذْنِي ، مُسْتَجِيراً فَلَا تَخْذُلْنِي ، سَائِلاً فَلَا تَحْرِمْنِي مُعْتَصِماً فَلَا تُسْلِمْنِي ، دَاعِياً فَلَا تَرُدَّنِي  
خَائِباً .

گذشت از لغزش‌هایم را از تو می‌خواهم؛ از گناهانی که مرا به ذلت و خواری نشانده و سراپایم را گرفته و به  
عرصه هلاکت در آورده، بیزاری می‌جویم. پروردگارم! از تمام گناهانم در حال توبه و انابه به جانب تو گریختم؛  
<sup>۲</sup>پس توبه‌ام را بپذیر. پناهنده‌ام! پناه‌ده. امان می‌خواهم، واگذارم نکن. گدایم، محرومم مفرما. دست به دامنم،  
رهایم مکن. خواهنده‌ام، نومیدم برمگردان.

دَعَوْتُكَ يَا رَبِّ مُسْكِيناً ، مُسْتَكِيناً ، مُشْفِقاً ، خَائِفاً ، وَجِلّاً ، فَقِيراً ، مُضْطَرّاً إِلَيْكَ .

ای پروردگارم! در حالی که مسکین، درمانده، هراسناک، بیمناک، ترسناک، تهیدست و مضطرّ به درگاه توام؛ تو را  
می‌خوانم.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> همان فراز ۷

<sup>۲</sup> همان فراز ۸

<sup>۳</sup> همان فراز ۹

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ ، وَ أَلْ لِمَجَانِبَةٍ عَمَّا حَذَرْتَهُ أَعْدَاكَ ، وَ كَثْرَةَ هُمُومِي ، وَ وَسْوَسةَ نَفْسِي .

ای خدای من! از ناتوانی وجودم، نمی‌توانم نسبت به آنچه به دوستان و عده دادی شتاب ورزم؛ و از آنچه دشمنان را از آن بر حذر داشتی، دوری کنم؛ و از اندوه زیادم و وسوسه نفسم، به تو شکایت می‌کنم.<sup>۱</sup>

إِلَهِي لَمْ تَفْضَحْنِي بِسَرِيرَتِي ، وَ لَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي ، أَدْعُوكَ فَتَجِيبْنِي وَ إِن كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ تَدْعُونِي ، وَ أَسْأَلُكَ كَلِّمًا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي ، وَ حَيْثُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي ، فَلَا أَدْعُو سِوَاكَ ، وَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ

خدای من! به خاطر زشتی باطنم رسوایم مکن و به گناه‌ها هلاکم مساز. تو را می‌خوانم و تو مرا اجابت می‌کنی؛ گر چه هنگامی که تو مرا می‌خوانی، در اجابت کندی می‌کنم. هر حاجتی که دارم، از تو می‌طلبم؛ و هر کجا و در هر موقعیتی که باشم، رازم را به تو می‌سپارم. غیر تو کسی را نمی‌خوانم و به احدی جز تو امید ندارم.<sup>۲</sup>

لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ، تَسْمَعُ مَنْ شَكََا إِلَيْكَ ، وَ تَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ ، وَ تَخْلُصُ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ ، وَ تَفْرَجُ عَمَّنْ لَدَاكَ .

گوش به فرمان توام؛ گوش به فرمان توام؛ شکایت کسی را که به درگاهت شکایت کند می‌شنوی؛ و به آن که به حضرتت اعتماد کند، رو می‌کنی؛ و هر که به دامن رحمت در آویزد، از ناراحتی و رنج‌رهایی‌اش می‌دهی؛ و هر که به تو پناه آورد، غم و اندوهش را بر طرف می‌کنی.<sup>۳</sup>

إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي ، وَ اغْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي .

خدای من! به خاطر کمی سپاسگزاری‌ام، از خیر آخرت و دنیا محروم مکن؛ و گناهای که از من خبر داری، بیامرز.<sup>۴</sup>

إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ الْمُفْرَطُ الْمُضَيِّعُ الْأَثِمُ الْمُقْصِرُ الْمُضْجَعُ الْمُغْفَلُ حَظَّ نَفْسِي ، وَ إِن تَغْفِرْ فَإِنَّتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .  
اگر مرا عذاب کنی، من همان ستمکار، برباد دهنده، تباه‌کننده، گناهکار، کوتاهی کننده، سست رأی و ساده لوح و کودن نسبت به نصیب و بهره خویشم؛ و اگر مرا بیامرزی، تو مهربان‌تری مهربانانی!<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> همان فراز ۱۰

<sup>۲</sup> همان فراز ۱۱

<sup>۳</sup> همان فراز ۱۲

<sup>۴</sup> همان فراز ۱۳

<sup>۵</sup> همان فراز ۱۴

## آموزه‌های هدایتی دعای ۵۱ صحیفه سجادیه

دعای ۵۱ صحیفه سجادیه که با عنوان “دعاؤه علیه السلام فی التذلل و الاستکانه” (دعای آن حضرت در تذلل و زاری) شناخته می‌شود، به آموزش فروتنی، اعتراف به نقص و ضعف در برابر عظمت الهی، و طلب یاری و رحمت از پروردگار اختصاص دارد.

۱- اعتراف به ضعف و فقر ذاتی انسان در برابر خداوند:

امام سجاد (ع) در این دعا به وضوح به ناتوانی و ناچیزی انسان در برابر قدرت بی‌پایان الهی اقرار می‌کند. این اعتراف، مبنای هر گونه فروتنی و دوری از غرور است.

انسان را به خودشناسی و درک جایگاه حقیقی‌اش در هستی سوق می‌دهد و از عجب و خودپسندی باز می‌دارد.

یکی از بنیادی‌ترین و شاید اولین قدم‌ها در مسیر عبودیت و کمال انسانی، درک و اعتراف قلبی به فقر و ضعف مطلق خود در برابر غنا و قدرت بی‌نهایت الهی است. امام سجاد (ع) در دعای ۵۱ صحیفه سجادیه، این حقیقت وجودی انسان را با لطافت و عمق بی‌نظیری بیان می‌کند.

تبیین آموزه:

فقر ذاتی انسان: منظور از “فقر ذاتی”، نیازمندی مطلق و همیشگی انسان به خداوند است. این فقر فقط به نیازهای مادی محدود نمی‌شود؛ بلکه وجود، حیات، علم، قدرت، و حتی لحظه به لحظه ادامه حیات ما، همه و همه وابسته به فیض و اراده خداوند است. ما نه مالک وجود خود هستیم و نه خالق آن. این فقر، جوهر هستی ماست و هرگز از ما جدا نمی‌شود، چه ثروتمند باشیم و چه فقیر، چه قوی باشیم و چه ضعیف.

مثال از دعا: امام (ع) با اینکه خود معصوم است، در اوج فروتنی، این حالات را به خود نسبت می‌دهد تا به ما راه و رسم بندگی را بیاموزد.

قدرت بی‌کران الهی: در مقابل این فقر، خداوند دارای غنای مطلق و قدرت بی‌انتهاست. اوست که هستی‌بخش است، روزی‌دهنده است، زندگی‌بخش و میراننده است، و هیچ چیز در هستی خارج از حیطه قدرت او نیست. همه موجودات، از کوچکترین ذره تا بزرگترین کهکشان، لحظه به لحظه به او نیازمندند و بدون اراده او حتی یک لحظه نمی‌توانند دوام بیاورند.

پس از این تضاد میفهمیم وقتی انسان به این تضاد بنیادین بین فقر ذاتی خود و غنای مطلق الهی پی می‌برد، “غرور” و “عجب” (خودپسندی) که ریشه بسیاری از گناهان و انحرافات هستند، در او ریشه‌کن می‌شوند.<sup>۱</sup>

خودشناسی حقیقی (من عرف نفسه فقد عرف ربه):

این اعتراف، راه را برای خودشناسی واقعی باز می‌کند. انسان با درک فقر خود، متوجه می‌شود که «من» او، نه قدرتی از خود دارد و نه استقلالی. این شناخت، آغاز شناخت پروردگار است؛ چرا که وقتی فقر خود را شناخت، غنای مطلق الهی را درک می‌کند و درمی‌یابد که منبع همه کمالات و خوبی‌ها اوست انسان از نگاه کردن به خود به عنوان یک موجود مستقل و خودکفا دست برمی‌دارد و تمام تلاش‌های خود را در جهت اتصال به این منبع لایزال قرار می‌دهد.

درک جایگاه حقیقی در هستی (فروتنی و بندگی):

وقتی انسان می‌فهمد که در برابر عظمت و قدرت بی‌انتهای الهی هیچ و پوچ است، دیگر جایی برای تکبر و برتری‌جویی باقی نمی‌ماند. این درک، منجر به فروتنی عمیق می‌شود؛ فروتنی نه به معنای حقیر شمردن خود، بلکه به معنای قرار گرفتن در جایگاه صحیح و شایسته بندگی. رفتار انسان در تعامل با دیگران نیز متواضعانه می‌شود؛ زیرا می‌داند هر آنچه دارد، از فضل خداست و هیچ برتری ذاتی بر دیگری ندارد. این فروتنی، کلید کسب علم و فضائل بیشتر نیز هست.<sup>۲</sup>

دوری از عجب و خودپسندی:

“عجب” حالتی است که انسان کمالات یا اعمال نیک خود را از جانب خود ببیند و خود را صاحب و مستحق آن بداند. این اعتراف به فقر ذاتی، این توهم را از بین می‌برد. وقتی انسان بداند که هرچه دارد، از خداست و هر لحظه نیازمند اوست، دیگر جایی برای خودبینی و خودپسندی باقی نمی‌ماند. انسان، حتی پس از انجام کارهای نیک و عبادات فراوان، خود را مدیون و محتاج خدا می‌بیند و از اینکه عملش او را به عجب و غرور بکشاند، در امان می‌ماند. این حالت باعث می‌شود همواره در مسیر پیشرفت و بندگی واقعی باقی بماند.

وابستگی کامل و توکل حقیقی:

---

<sup>۱</sup> نوری، مستدرک الوسائل، ص ۴۲۰-۴۲۳

<sup>۲</sup> نوری، مستدرک الوسائل، ص ۴۲۵

این درک، انسان را به سمت توکل حقیقی سوق می‌دهد. وقتی متوجه می‌شویم که همه چیز به دست خداست و ما هیچ استقلالی نداریم، منطقی است که در همه امور، به او توکل کنیم و از او یاری بخواهیم. در واقع اضطراب و نگرانی‌ها در زندگی کاهش می‌یابد؛ زیرا می‌دانیم سر رشته امور به دست قدرتی است که هم قادر مطلق است و هم مهربان‌ترین. این توکل، به انسان آرامش درونی عجیبی می‌بخشد.

در نهایت، این آموزه نه تنها یک مفهوم ذهنی، بلکه یک حال قلبی است که باید در وجود انسان نهادینه شود. دعای ۵۱ صحیفه سجادیه، با تکرار این مضامین، قلب ما را برای پذیرش این حقیقت آماده می‌کند و ما را در مسیر بندگی حقیقی و رشد معنوی یاری می‌دهد.

## ۲\_ اقرار به گناهان و کوتاهی‌ها

این بخش از دعا بسیار حیاتی است و عمق معارف اسلامی در باب توبه و بازگشت را نشان می‌دهد. این بخش از دعا بسیار حیاتی است و عمق معارف اسلامی در باب توبه و بازگشت را نشان می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های برجسته دعای ۵۱ صحیفه سجادیه، تکرار و تأکید امام سجاد (ع) بر اقرار و اعتراف به گناهان، خطاها و قصورات است. این اقرار نه از سر یأس، بلکه از اوج معرفت و تواضع در برابر خداوند سرچشمه می‌گیرد و بستری برای توبه و بازگشت فراهم می‌کند.

تبیین آموزه:

اقرار صادقانه: امام سجاد (ع) با اینکه معصوم است و از هر گونه گناهی مبرا، اما در مقام تعلیم و تربیت و برای نشان دادن راه بندگی حقیقی به ما، خود را در اوج تواضع، خطاکار و مقصر معرفی می‌کند. این شیوه، عمق ادب بندگی و نهایت خضوع در برابر خداوند را به نمایش می‌گذارد. اقرار به گناه در اینجا به معنای پذیرش مسئولیت اعمال خویش است و نه صرفاً بیان یک جمله. این اقرار، از عمق جان و با حس پشیمانی واقعی همراه است..

کوتاهی در انجام وظایف الهی: علاوه بر گناهان صریح، دعا به “قصور” و “کوتاهی” در انجام بندگی نیز اشاره دارد. این قصور می‌تواند شامل عدم انجام کامل فرائض، غفلت از یاد خدا، عدم استفاده بهینه از استعدادها و نعمت‌ها،

یا حتی نیت‌های ناخالص در اعمال خیر باشد. امام (ع) به ما می‌آموزد که حتی اگر گناه آشکاری هم مرتکب نشده باشیم، همواره در مقام بندگی، قصور و کاستی‌هایی داریم که نیاز به طلب مغفرت دارند.<sup>۱</sup>

پناه بردن به رحمت الهی: هدف از این اقرار، نه فرو رفتن در ناامیدی، بلکه گشودن دری به سوی رحمت بی‌کران الهی است. پس از اقرار به ضعف و گناه، بلافاصله امام (ع) به فضل، کرم، عفو و مغفرت خداوند پناه می‌برد. این ترکیب اقرار به گناه و امید به رحمت، توازن روحی خاصی را ایجاد می‌کند.

زمینه‌ساز توبه و استغفار حقیقی:

اولین قدم برای توبه، پذیرش مسئولیت گناه و اقرار به آن است. اگر انسان گناه خود را نپذیرد یا برای آن توجیه بیاورد، هرگز به سمت توبه واقعی حرکت نخواهد کرد. این اقرار، دروازه ورود به وادی توبه نصوح (توبه حقیقی) است که در آن، پشیمانی، تصمیم بر ترک گناه، جبران مافات (در صورت امکان) و بازگشت به سوی خداوند صورت می‌گیرد. انسان از لجاجت و انکار گناه دست می‌کشد و با دلی شکسته و نادم، رو به درگاه الهی می‌آورد.<sup>۲</sup>

ایجاد حس بندگی و دوری از غرور معنوی:

حتی انسان‌های متدین و اهل عبادت نیز ممکن است دچار نوعی غرور معنوی شوند و خود را از دیگران برتر بدانند. این اقرار مداوم به گناهان و کوتاهی‌ها، حتی در اوج بندگی، انسان را از این آفت مهلک حفظ می‌کند. این یادآوری که ما همواره نیازمند عفو و رحمت الهی هستیم، باعث می‌شود بندگی ما خالص‌تر و تواضع ما عمیق‌تر شود. انسان در هر جایگاهی که باشد، خود را همیشه مقصر و نیازمند می‌بیند و از این طریق، رابطه خود را با خداوند تازه نگه می‌دارد.

ترویج امید و جلوگیری از یأس از رحمت الهی:

با وجود عمق اقرار به گناه، لحن دعا هرگز به سمت ناامیدی نمی‌رود. بلکه پس از هر اقرار، بلافاصله به صفات غفران و رحمت خداوند اشاره می‌شود. این شیوه، به ما می‌آموزد که هر چقدر هم گناهانمان بزرگ باشند، نباید از رحمت خدا ناامید شویم. درهای توبه همیشه باز است و خداوند مهربان‌تر از آن است که بنده‌ای را که با

<sup>۱</sup> غضنفری، بازگشت به صحیفه سجادیه، ص ۶۴۹-۶۵۰

<sup>۲</sup> غضنفری، بازگشت به صحیفه سجادیه، ص ۶۵۲

پشیمانی به سوبش بازگشته، از خود براند. انسان تشویق می‌شود که همواره به درگاه الهی بازگردد، حتی اگر بارها مرتکب گناه شده باشد. این امید، محرکی قوی برای اصلاح و حرکت به سوی کمال است.

زمینه اصلاح رفتار و حرکت به سوی کمال:

اقرار به گناه، اولین گام برای شناختن نقاط ضعف و تلاش برای برطرف کردن آنهاست. وقتی فرد به اشتباهات خود اعتراف می‌کند، مسیر برای تغییر و اصلاح باز می‌شود. این آگاهی به خود، به انسان کمک می‌کند تا در آینده از تکرار همان خطاها جلوگیری کند و در مسیر بندگی پیشرفت نماید.

انسان به جای پنهان کردن گناهان یا توجیه آنها، به فکر اصلاح و بهتر شدن می‌افتد و این خود آغاز یک تحول درونی است.<sup>۱</sup>

### ۳- تأکید بر رجا و امید به رحمت الهی در عین خشیت:

با وجود اقرار به گناهان و ضعف‌ها، سراسر دعا مملو از امید به بخشش، مهربانی و فضل بی‌کران خداوند است. این تعادل بین ترس (خشیت) از عذاب و امید (رجا) به رحمت، از نکات کلیدی معارف اسلامی است. پس از یأس و ناامیدی جلوگیری می‌کند و به مؤمن انگیزه می‌دهد که همواره به سوی خداوند بازگردد و به مغفرت او دل ببندد، حتی اگر بارها مرتکب خطا شده باشد.

تعادل بین رجا (امید) و خشیت (ترس) یکی از پایه‌های مهم اخلاق و معرفت اسلامی است که در دعای ۵۱ صحیفه سجاده به زیبایی تجلی یافته است

دعای ۵۱ صحیفه سجاده، با وجود آن همه اقرار به ضعف، فقر و گناه، به هیچ وجه انسان را در وادی یأس و ناامیدی رها نمی‌کند. بلکه در کنار هر اعترافی، دریچه‌ای از امید به رحمت، مغفرت و فضل بی‌کران الهی را باز می‌کند. این رویکرد، تجلی تعادل قرآنی و نبوی بین دو بال “رجا” و “خشیت” است.

این امید، محرک حرکت و پویایی در مسیر بندگی است. بدون رجا، انسان در بن‌بست گناهان و کاستی‌های خود محصور می‌شود و انگیزه برای توبه و اصلاح از بین می‌رود. امام سجاد (ع) در این دعا، پس از هر بار اقرار به

---

<sup>۱</sup> جعفری، بازگشت به صحیفه سجاده، ص ۲۱۵

خطاهای خود، بلافاصله به گستردگی رحمت الهی اشاره می‌کند و از خداوند می‌خواهد که او را از بخشش خود محروم نکن:

در فراز ۶: "...فَنَجِّنِي مِنْ سَخَطِكَ" (پس مرا از خشم نجات ده) که به نوعی طلب دوری از گناه و غفلت است.

در فراز ۷: "...أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي، وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرِيئاً فَأَعْتَذِرُ..." (از تو می‌خواهم که از من درگذری و مرا ببخشی، زیرا من بی‌گناه نیستم که عذرخواهی کنم...) که به نوعی طلب استغفار و آمرزش است.

خشیت (ترس از عظمت و عدل الهی):

خشیت به معنای ترس همراه با تعظیم و شناخت عظمت و عدل پروردگار است. این ترس، انسان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد و او را به مراقبت از اعمال و رفتار خود وادار می‌کند. بدون خشیت، انسان ممکن است به بهانه رحمت الهی، در گناه غوطه‌ور شود و از عواقب اعمال خود غافل بماند.

تجلی خشیت در دعا: اگرچه این دعا بیشتر بر جنبه رحمت تأکید دارد، اما نفس اعتراف به گناهان و طلب آمرزش، خود نشان‌دهنده ترسی از عواقب آن گناهان و امید به عدم مؤاخذه الهی است. این خشیت، خشیت از عظمت و اقتدار خداست که بنده‌اش را به سوی توبه و اعتذار می‌کشاند تا گرفتار عدل او نشود.

تعادل رجا و خشیت:

اوج آموزه در اینجاست که امام (ع) میان این دو حالت، تعادل برقرار می‌کند. نه چنان بر گناهان تأکید می‌شود که بنده ناامید شود (یأس از روح الله)، و نه چنان بر رحمت تأکید می‌شود که از عقاب غافل گردد (امن از مکر الله). این تعادل، حالتی است که مؤمن را در مسیر اعتدال نگه می‌دارد: همواره امیدوار به بخشش خداست، اما همزمان از عظمت و قدرت او نیز در بیم است و این بیم او را از گناه باز می‌دارد.<sup>۱</sup>

حدیث قدسی: "لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا لِي عَلَيْهِ مِنَ الرَّحْمَةِ، لَقَالَ: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَا أَبَالِي. وَ لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا لِي عَلَيْهِ مِنَ الْعِقَابِ، لَبَكَى مِنَ الْفَزَعِ" (اگر بنده بداند چه رحمتی بر او دارم، می‌گوید: پروردگارا مرا ببخش و باکی ندارم. و اگر بنده بداند چه عقابی بر او دارم، از ترس گریه می‌کرد).

<sup>۱</sup> فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۱۲۵

امام صادق (ع): “کسی که تنها امید به خدا داشته باشد و از او نترسد، خدا او را به خودش واگذار می‌کند. و کسی که تنها از خدا بترسد و به او امید نداشته باشد، خدا او را به خودش واگذار می‌کند. و کسی که هم امید به خدا داشته باشد و هم از او بترسد، خداوند از او راضی است و او را به خودش واگذار نمی‌کند.”

نجات از یأس و ناامیدی (بزرگترین گناه):

یأس از رحمت خدا، خود یکی از گناهان کبیره است. این دعا با پمپاژ امید به قلب انسان، او را از این گناه نجات می‌دهد. حتی اگر فردی مرتکب گناهان بزرگی شده باشد، این دعا به او می‌آموزد که هرگز نباید از درگاه الهی مأیوس شود، بلکه باید با توبه و امید به بخشش، به سوی او بازگردد. انسان همواره دریچه توبه و بازگشت به سوی خدا را باز می‌بیند و همین امر به او انگیزه می‌دهد تا بارها و بارها برای اصلاح خود تلاش کند.

حفظ از جرأت بر گناه (امن از مکر الله):

از سوی دیگر، تأکید بر خشیت، از حالتی که در روایات به آن “امن از مکر الله” تعبیر می‌شود، جلوگیری می‌کند. این حالت زمانی است که انسان به گمان اینکه خدا حتماً او را می‌بخشد، بدون هیچ ترسی به گناهان خود ادامه می‌دهد. تعادل بین رجا و خشیت، انسان را در وضعیت هشدار نگه می‌دارد تا هم از رحمت الهی ناامید نشود و هم به خود اجازه گستاخی در برابر دستورات او را ندهد. مؤمن همواره در مسیر اعتدال قدم برمی‌دارد: نه آنقدر از گناهان خود بترسد که ناامید شود، و نه آنقدر به رحمت الهی امیدوار باشد که نسبت به گناه بی‌پروا گردد.<sup>۱</sup>

بهبود رابطه با خداوند:

این تعادل، رابطه‌ای سالم و بالنده با خداوند ایجاد می‌کند. خداوند نه صرفاً موجودی ترسناک و انتقام‌جو تصویر می‌شود و نه صرفاً موجودی سهل‌گیر که همه چیز را نادیده می‌گیرد. بلکه او هم قادر و قاهر است و هم رحیم و غفور. این درک متعادل، منجر به عبادت و بندگی خالصانه‌تر و از روی عشق و معرفت می‌شود. بندگی از روی ترس تنها یا امید بی‌حد و حصر خارج شده و به بندگی‌ای از روی معرفت و عشق مبدل می‌شود که در آن، بنده همواره در تلاش برای جلب رضایت معبود خویش است.

پذیرش مسئولیت و اصلاح رفتار:

---

<sup>۱</sup> انصاریان، دیار عاشقان، ص ۶۸۴

وجود خشیت به انسان یادآوری می‌کند که اعمالش بی‌پاسخ نخواهند ماند و این باعث می‌شود که در رفتارهای خود دقت بیشتری به خرج دهد. همزمان، وجود رجا به او اطمینان می‌دهد که اگر صادقانه توبه کند و در جهت اصلاح برآید، خداوند او را خواهد بخشید و از حمایت خویش دریغ نخواهد کرد فرد با انگیزه و پشتکار بیشتر به سمت ترک گناه و انجام نیکی‌ها حرکت می‌کند (تفاسیر و شرح‌های معتبر صحیفه سجاده: مانند شروح ذکر شده در پاسخ‌های قبلی).

آیات قرآن کریم: به عنوان مثال، آیاتی که بر رحمت واسعه الهی تأکید دارند (مانند “رحمتی وسعت کل شیء” و آیاتی که از عذاب الهی و لزوم تقوا سخن می‌گویند).<sup>۱</sup>

روایات اهل بیت (علیهم السلام): که به تفصیل به بحث رجا و خشیت و اهمیت تعادل میان آن‌ها پرداخته‌اند. احادیثی که اشاره شد، نمونه‌ای از این روایات هستند که در کتب حدیثی مانند اصول کافی، بحارالانوار و... یافت می‌شوند.<sup>۲</sup>

این دعا به ما می‌آموزد که همواره “بین خوف و رجا” زندگی کنیم، یعنی نه از رحمت خدا ناامید باشیم و نه از مکافات اعمالمان آسوده خاطر. این حالت، یک زندگی معنوی متعادل و رو به رشد را برای مؤمن به ارمغان می‌آورد.

#### ۴- اهمیت تذلل و خضوع در دعا و بندگی:

نامگذاری این دعا به “دعاء فی التذلل و الاستکانه” نشان‌دهنده اهمیت فروتنی و زاری در پیشگاه الهی است. این حالت، مطلوب‌ترین شکل ارتباط بنده با خالق خویش است به ما می‌آموزد که در هنگام دعا و مناجات، با تمام وجود و با قلبی شکسته و متواضعانه، خود را در برابر خداوند قرار دهیم تا دعاهایمان مورد اجابت قرار گیرد.

نام‌گذاری دعای ۵۱ صحیفه سجاده به “دعاء فی التذلل و الاستکانه” (دعایی در تذلل و زاری)، به روشنی بیانگر محوری بودن این دو ویژگی در بندگی و مناجات خالصانه با خداوند است. تذلل و استکانه نه تنها حالتی از ضعف نیستند، بلکه نشانه‌ای از اوج معرفت، تواضع، و کمال بندگی در برابر عظمت بی‌کران الهی محسوب می‌شوند.

تجلی در دعا: اقرار مکرر امام سجاد (ع) به فقر، ضعف، عجز، قصور، و گناهان خود در این دعا، نمونه بارزی از تذلل است. او خود را “عبد ذلیل”، “فقیر”، “ضعیف”، “خطاکار” و “بنده‌ای با کوله‌باری از گناه” معرفی می‌کند.

<sup>۱</sup> اعراف ۱۵۶

<sup>۲</sup> دشتی، شرح صحیفه سجاده، ص ۳۲۵

این خود را کوچک دیدن در برابر خدا، موجب می‌شود که بنده خودبین نباشد و تمام قدرت و توان را از آن خداوند بداند

تجلی در دعا: عبارت‌هایی مانند “الهی، لا ترخص لی نفسی” (خدایا، نفسم را به حال خود وامگذار)، “و لا تدعنی بحولک” (و مرا با حول و قوهات رها مکن)، و تکرار درخواست بخشش و مغفرت همراه با بیان عجز و ناتوانی، همگی نمودهای استکانه هستند. امام با نهایت زاری، خود را محتاج محض لطف الهی می‌بیند و از او می‌خواهد که او را لحظه‌ای به حال خود وا نگذارد.

پذیرفته شدن دعا و اجابت:

دعا و بندگی متواضعانه، بیش از هر شکل دیگری، مورد رضایت و لطف الهی قرار می‌گیرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: “أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ” (پروردگار خود را با تضرع و در پنهانی بخوانید، همانا او تجاوزکاران را دوست ندارد)<sup>۱</sup>

تذلل و استکانه، نشانه‌ی ادب بندگی و شناخت عظمت مقام ربوبیت است. دعایی که از سر غرور یا بی‌نیازی باشد، اجابتی نخواهد داشت. این دعا به ما می‌آموزد که راه اجابت دعا، شکستن دل و زاری در درگاه خدا با این حال، انسان متوجه می‌شود که دعا یک رابطه دوطرفه است؛ نه فقط درخواست، بلکه حالتی از تسلیم و فروتنی عمیق است که درهای رحمت الهی را می‌گشاید.

رشد معنوی و قرب الهی:

تذلل و استکانه، موجب زدودن صفات رذیله‌ای مانند کبر و غرور از نفس می‌شود. انسانی که خود را در برابر خدا خوار و ناچیز می‌بیند، کمتر گرفتار عجب و خودبینی می‌شود. این فروتنی، راه را برای ورود نور معرفت و تقرب به خداوند هموار می‌کند. انسان به تدریج از خودمحوری فاصله گرفته و به سمت خدا محوری حرکت می‌کند و همین امر موجب ارتقاء درجه معنوی او می‌شود.

احساس آرامش و اطمینان:

کسی که با تذلل و استکانه به خدا پناه می‌برد، تمام بار نگرانی‌ها و مشکلاتش را بر دوش لطف و قدرت بی‌نهایت الهی می‌گذارد. این واگذاری کامل، به او آرامش و اطمینان خاطر می‌دهد که در پناه قدرتی لایزال قرار دارد. در

---

<sup>۱</sup> اعراف ۵۵

اوج ضعف و نیاز، انسان به منبع قدرت و بی‌نیازی متصل می‌شود و این اتصال، او را از یأس و نگرانی رها می‌سازد.

درک صحیح از جایگاه انسان

تذلل و استکانه، به انسان کمک می‌کند تا جایگاه حقیقی خود را در هستی درک کند؛ نه آنقدر بزرگ که خود را بی‌نیاز از خدا بداند، و نه آنقدر کوچک که از اصلاح و رشد خود ناامید شود. این درک، منجر به بندگی صحیح و دوری از افراط و تفریط می‌شود. انسان متوجه می‌شود که بندگی، عین عزت است و خوار شدن در برابر خدا، عین سربلندی و کمال.

قرآن کریم: آیات متعددی در قرآن بر اهمیت تواضع، تضرع و زاری در دعا تأکید دارند. به عنوان مثال، آیه ۵۵ سوره اعراف که پیشتر ذکر شد، و همچنین آیاتی که به سرگذشت پیامبران و تضرع آن‌ها در برابر خدا اشاره می‌کنند (مانند حضرت ایوب، یونس و زکریا).<sup>۱</sup>

روایات اهل بیت (علیهم السلام): در سیره و کلام ائمه اطهار (ع)، به کرات بر اهمیت فروتنی در دعا و دوری از غرور تأکید شده است. روایات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد دعا و مناجات در حالتی از خشوع و خضوع، زودتر به اجابت می‌رسد. به عنوان مثال، روایات درباره دعای امام حسین (ع) در روز عرفه که سرشار از تذلل و زاری است.<sup>۲</sup> این شروح، همگی به این نکته مهم اشاره کرده‌اند که دلیل نامگذاری این دعا به “دعاء فی التذلل و الاستکانه” و محتوای آن، تأکید بر این دو رکن اساسی بندگی و شرط پذیرش دعاست. در نهایت، این آموزه به ما می‌آموزد که دعا، صرفاً لیستی از خواسته‌ها نیست؛ بلکه حالتی از گفتگوی عمیق و خالصانه با خالق است که در آن، بنده با تمام وجود، ضعف و نیاز خود را در برابر بی‌نیازی و قدرت مطلق الهی ابراز می‌کند. این ابراز، نه تنها موجب اجابت می‌شود، بلکه قلب را نیز جلا داده و روح را به کمال رهنمون می‌سازد

## ۵- پناه بردن به ذات اقدس الهی و طلب یاری از او:

امام سجاد (ع) در این دعا تمام امید و توکل خود را به خداوند معطوف می‌کند و از او می‌خواهد که وی را از گناهان دور سازد، به طاعات توفیق دهد و از عذاب حفظ کند.

<sup>۱</sup> مجلسی، شرح صحیفه سجادیه، ص ۲۵۴

<sup>۲</sup> خان مدنی، ریاض السالکین، ص ۳۲۵

نتیجه هدایتی: درس توکل و اعتماد کامل به خداوند را می‌دهد و به انسان می‌آموزد که در همه امور، چه مادی و چه معنوی، از خداوند یاری بخواهد

پناه بردن به ذات اقدس الهی و طلب یاری از او، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین رکن هر دعایی است و دعای ۵۱ صحیفه سجادیه نیز، تجلی این حقیقت ناب است.

آموزه هدایتی: پناه بردن به ذات اقدس الهی و طلب یاری از او

در دعای ۵۱ صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع) با تمام وجود به خداوند پناه می‌برد و از او یاری می‌طلبد. این پناه بردن، تنها یک درخواست زبانی نیست، بلکه نوعی تسلیم و واگذاری کامل امور به خداوند است. امام (ع) در این دعا، تمام امید و توکل خود را به خداوند معطوف می‌کند و از او می‌خواهد که وی را از گناهان دور سازد، به طاعات توفیق دهد و از عذاب حفظ کند.<sup>۱</sup>

تبیین آموزه:

پناه بردن به خداوند:

پناه بردن به خداوند به معنای اعتراف به ضعف و ناتوانی خویش در برابر مشکلات و مصائب، و اعتقاد راسخ به قدرت و رحمت بی‌انتهای اوست. در واقع، انسان با پناه بردن به خدا، خود را در حصنی امن و امان قرار می‌دهد و از هرگونه گزند مصون می‌دارد.

تجلی در دعا: در این دعا، امام سجاد (ع) بارها و بارها از خداوند می‌خواهد که او را در برابر گناهان حفظ کند، به او توفیق انجام طاعات را عطا فرماید و از عذاب دوزخ در امان نگه دارد. این درخواست‌ها، نشان‌دهنده پناه بردن کامل به خداوند و طلب یاری از او در تمام امور است.

طلب یاری از خداوند:

---

<sup>۱</sup> کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰-۶۳

طلب یاری از خداوند به معنای درخواست کمک و استعانت از او در انجام امور نیک و دوری از کارهای بد است. انسان با طلب یاری از خدا، در واقع، او را به عنوان تنها تکیه‌گاه و یاور خود در زندگی می‌پذیرد و از او می‌خواهد که در تمام مراحل زندگی، او را هدایت و راهنمایی کند.<sup>۱</sup>

تجلی در دعا: امام سجاد (ع) در این دعا، از خداوند می‌خواهد که او را در انجام استغفار، دوری از غفلت، تقوا پیشگی، دوری از گناه، اطاعت از او و دوری از معصیت، یاری کند. این درخواست‌ها، نشان‌دهنده طلب یاری از خداوند در تمام ابعاد زندگی است.

اهمیت و نتایج هدایتی:

توکل و اعتماد کامل به خداوند:

پناه بردن به خداوند و طلب یاری از او، درس توکل و اعتماد کامل به خداوند را به انسان می‌دهد. انسان با توکل به خدا، اطمینان پیدا می‌کند که خداوند همواره پشتیبان اوست و در تمام مشکلات و سختی‌ها، او را یاری خواهد کرد. فرد به آرامش و ثبات درونی دست پیدا می‌کند و دیگر از مشکلات و سختی‌های زندگی نمی‌هراسد؛ زیرا می‌داند که همواره یک تکیه‌گاه قوی و مهربان در کنار خود دارد.

دوری از گناه و معصیت:

وقتی انسان از خداوند یاری می‌خواهد تا او را از گناهان دور سازد، در واقع، خود را متعهد به دوری از گناه می‌کند. این تعهد، باعث می‌شود که انسان بیشتر مراقب اعمال و رفتار خود باشد و از انجام کارهایی که موجب خشم خداوند می‌شود، دوری کند پس جامعه‌ای پاک و سالم شکل می‌گیرد که در آن، افراد به جای پیروی از هواهای نفسانی، به دنبال رضایت خداوند هستند.

توفیق در انجام طاعات و عبادات:

طلب یاری از خداوند برای انجام طاعات و عبادات، باعث می‌شود که انسان با انگیزه و اشتیاق بیشتری به انجام این امور بپردازد. وقتی انسان احساس می‌کند که خداوند او را در انجام طاعات یاری می‌کند، لذت و شیرینی

---

<sup>۱</sup> همان ص ۶۳-۷۰

عبادت را بیشتر احساس می‌کند پس زندگی انسان رنگ و بوی معنوی به خود می‌گیرد و او به سوی کمال و سعادت ابدی حرکت می‌کند.<sup>۱</sup>

حفظ از عذاب الهی:

پناه بردن به خداوند و طلب یاری از او برای حفظ از عذاب، نشان‌دهنده ترس از عذاب الهی و امید به رحمت اوست. این ترس و امید، باعث می‌شود که انسان در زندگی خود، همواره جانب احتیاط را رعایت کند و از انجام کارهایی که موجب خشم خداوند می‌شود، دوری کند پس انسان در دنیا و آخرت، از عذاب الهی در امان می‌ماند و به سعادت و خوشبختی دست پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

متن شریف صحیفه سجاده: این دعا، سرشار از عباراتی است که نشان‌دهنده پناه بردن به خداوند و طلب یاری از او در تمام امور است.<sup>۳</sup>

قرآن کریم: آیات بسیاری در قرآن کریم بر اهمیت توکل به خداوند، طلب یاری از او و پناه بردن به او در تمام امور تأکید دارند. به عنوان مثال، آیه “إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ” (تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم)<sup>۴</sup> به صراحت بیان می‌کند که انسان باید در تمام امور، از خداوند یاری بخواهد. همچنین، آیه “وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ” (و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است – سوره طلاق، آیه ۳)، نشان می‌دهد که خداوند پشتیبان و یاور کسانی است که به او توکل می‌کنند.

روایات اهل بیت (علیهم السلام): در سیره و کلام ائمه اطهار (ع)، بر اهمیت توکل، توسل و استعانت از خداوند تأکید فراوانی شده است. روایات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد ائمه (ع) در تمام امور زندگی خود، به خداوند توکل می‌کردند و از او یاری می‌طلبیدند.

روایات فراوانی در کلام اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد که بر اهمیت توکل، توسل و استعانت از خداوند تأکید می‌کنند. دسترسی مستقیم به یک روایت خاص بدون جستجو در پایگاه‌های حدیثی کمی دشوار است، اما تلاش می‌کنم تعدادی از این روایات و منابع معتبر آن‌ها را به شما ارائه دهم تا بتوانید به آن‌ها مراجعه کنید:

<sup>۱</sup> عاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۲۵

<sup>۲</sup> همان، ۷۵-۷۰

<sup>۳</sup> دعای ۵۱ صحیفه سجاده

<sup>۴</sup> فاتحه ۵

۱. توکل بر خدا:

روایت از امام علی (ع): “التَّوَكَّلُ مِنْ قُوَّةِ الْيَقِينِ” (توکل، از نشانه های نیرومندی یقین است).<sup>۱</sup>

روایت از امام صادق (ع): “إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أُوطِنَا” (بی نیازی و عزت، [همواره در جستجو هستند] و هنگامی که به جایگاه توکل دست یابند، در آنجا رحل اقامت می افکنند).<sup>۲</sup>

۲. توسل به اهل بیت (ع):

روایت از امام رضا (ع): “إِنَّا لَنَشْفَعُ لِمَنْ شِئْنَا وَ يَشْفَعُ فِينَا مَنْ شِئْنَا” (به درستی که ما شفاعت می کنیم برای هر کس که بخواهیم و دیگران نیز در مورد هر کس که بخواهیم از ما شفاعت می کنند).<sup>۳</sup>

روایت از امام صادق (ع): “مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِى فَلْيَسْأَلْ بِى فَإِنَّهُ يُقْضَى لَهُ” (هر کس که به سوی خدا حاجتی دارد، پس باید با من شروع کند و به واسطه من [از خدا] درخواست نماید، پس به درستی که حاجت او برآورده می شود).<sup>۴</sup>

۳. استعانت از خداوند:

روایت از امام علی (ع) در دعای کمیل: “بِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَغْنِنِى” (به تو پناه می آورم، پس مرا یاری کن).<sup>۵</sup>

روایت از امام صادق (ع): “إِذَا أَصَابَكَ كَرْبٌ فَقُلْ: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ” (هر گاه تو را اندوهی رسید، پس بگو: هیچ نیرو و توانی جز به خدای بلندمرتبه بزرگ نیست).<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> امدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث شماره ۱۴۸۶

<sup>۲</sup> کلینی، اصول کافی، جلد ۲، ص ۶۵

<sup>۳</sup> طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۵۷

<sup>۴</sup> همان، ج ۹۱، ص ۲۲

<sup>۵</sup> قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل، ص ۱۳۴۵

<sup>۶</sup> عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۵

شرح‌های معتبر صحیفه سجادیه: تمامی شروح معتبر صحیفه سجادیه، به این نکته مهم اشاره کرده‌اند که دعای ۵۱، دعایی است که در آن، امام سجاد (ع) با تمام وجود به خداوند پناه می‌برد و از او یاری می‌طلبد.

در پایان، این آموزه به ما یادآوری می‌کند که خداوند، تنها تکیه‌گاه و یاور ما در زندگی است و ما باید در تمام امور، چه مادی و چه معنوی، از او یاری بخواهیم و به او توکل کنیم. با توکل به خدا، می‌توانیم بر تمام مشکلات و سختی‌های زندگی غلبه کنیم و به سعادت و خوشبختی دست پیدا کنیم

## نتیجه گیری :

با توجه به عنوان آموزه های هدایتی دعای ۵۱ صحیفه سجادیه استنباط می‌شود که

آموزه های هدایتی دعای ۵۱ صحیفه سجادیه ۵ موردند ۱-اعتراف به ضعف و فقر ذاتی انسان در برابر خداوند:امام سجاد (ع) در این دعا به روشنی به ناتوانی و ناچیزی انسان در برابر قدرت بی‌پایان الهی اقرار می‌کند. این اعتراف، مبنای هر گونه فروتنی و دوری از غرور است.

در نتیجه انسان را به خودشناسی و درک جایگاه حقیقی‌اش در هستی می‌کشاند و از خودپسندی جلوگیری می‌کند مورد بعدی اقرار به گناهان و کوتاهی‌ها میباشد

این دعا سرشار از اقرار به خطاها و کاستی‌ها در انجام وظایف الهی و بندگی است. امام (ع) خود را غرق در گناهان و قصورات می‌بیند و به رحمت و مغفرت الهی پناه می‌برد.

در نتیجه انسان را به توبه و استغفار تشویق می‌کند و اهمیت بازگشت به سوی خداوند را یادآوری می‌کند . این اقرار، زمینه را برای طلب آمرزش و اصلاح رفتار فراهم می‌کند .

مورد بعدی تأکید بر رجا و امید به رحمت الهی در عین خشیت میباشد یعنی با وجود اقرار به گناهان و ضعف‌ها، سراسر دعا مملو از امید به بخشش، مهربانی و فضل بی‌کران خداوند است. این تعادل بین ترس (خشیت) از عذاب و امید (رجا) به رحمت، از نکات کلیدی معارف اسلامی است.در نتیجه از یأس و ناامیدی جلوگیری می‌کند و به مؤمن انگیزه می‌دهد که همیشه به سوی خداوند برگردد و به مغفرت او دل ببندد، حتی اگر بارها مرتکب خطا شده باشد.مورد بعدی اهمیت تذلل و خضوع در دعا و بندگی میباشد نامگذاری این دعا به “دعاء فی التذلل و الاستکانه” نشان‌دهنده اهمیت فروتنی و زاری در پیشگاه الهی است. این حالت، مطلوب‌ترین شکل

ارتباط بنده با خالق خویش است. پس در نتیجه به ما می‌آموزد که در هنگام دعا و مناجات، با تمام وجود و با قلبی شکسته و متواضعانه، خود را در برابر خداوند قرار دهیم تا دعاهايمان مورد اجابت قرار گیرد. مورد بعدی پناه بردن به ذات اقدس الهی و طلب یاری از اومیباشد امام سجاد (ع) در این دعا تمام امید و توکل خود را به خداوند معطوف می‌کند و از او می‌خواهد که وی را از گناهان دور کند به طاعات توفیق دهد و از عذاب حفظ کند. در نتیجه درس توکل و اعتماد کامل به خداوند را می‌دهد و به انسان یاد می‌دهد که در همه امور، چه مادی و چه معنوی، از خداوند یاری بخواهد

## منابع :

- انصاریان ، حسین ، **دیار عاشقان** ، رجا ، بی جا ، ۱۳۹۷
- بیهقی ، ابوالفضل ، **تاج المصادر** ، بی نا ، بی جا ، ۱۴۰۰ ه ش
- ، **تاریخ بیهقی** ، بی نا ، بی جا ، بی تا
- راغب ، حسین بن محمد ، **مفردات** ، مرتضوی ، ۱۳۸۸
- غضنفری ، سید حسین ، **بازگشت به صحیفه سجاده** ، بی نا ، بی جا ، بی تا
- عمید ، حسن ، **فرهنگ عمید** ، امیر کبیر ، ۱۳۷۵
- جعفری ، محمد تقی ، **بازگشت به صحیفه سجاده** ، بی نا فبی جا ، بی تا
- دشتی ، محمد ، **شرح صحیفه سجاده** ، التراث العربیه ، بی جا ، ۱۴۰۰
- خان مدنی ، سید علی ، **ریاض السالکین** ، نشر اسلامی وابسته جامعه مدرسین ، ۱۴۱۱ ق
- طباطبایی ، محمد حسین ، **المیزان** ، ج ۹۱ ، بی نا ، ۱۳۸۶
- ، **المیزان** ، ج ۱۷ ، بی نا ، بی تا
- قمی ، عباس ، **مفاتیح الجنان** ، الهادی ، بی جا ، ۱۳۹۰

عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۷، بی نا، بی تا

تمیمی امدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث شماره ۱۴۸۶

کلینی، اصول کافی، جلد ۲، امیر کبیر، بی جا، بی تا

مجلسی، محمد باقر، شرح صحیفه سجادیه، بی نا، بی تا

-----، بحار الانوار، دار الکتب اسلامیة، ۱۳۱۵ق

نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بی نا، بی جا، ۱۳۸۹